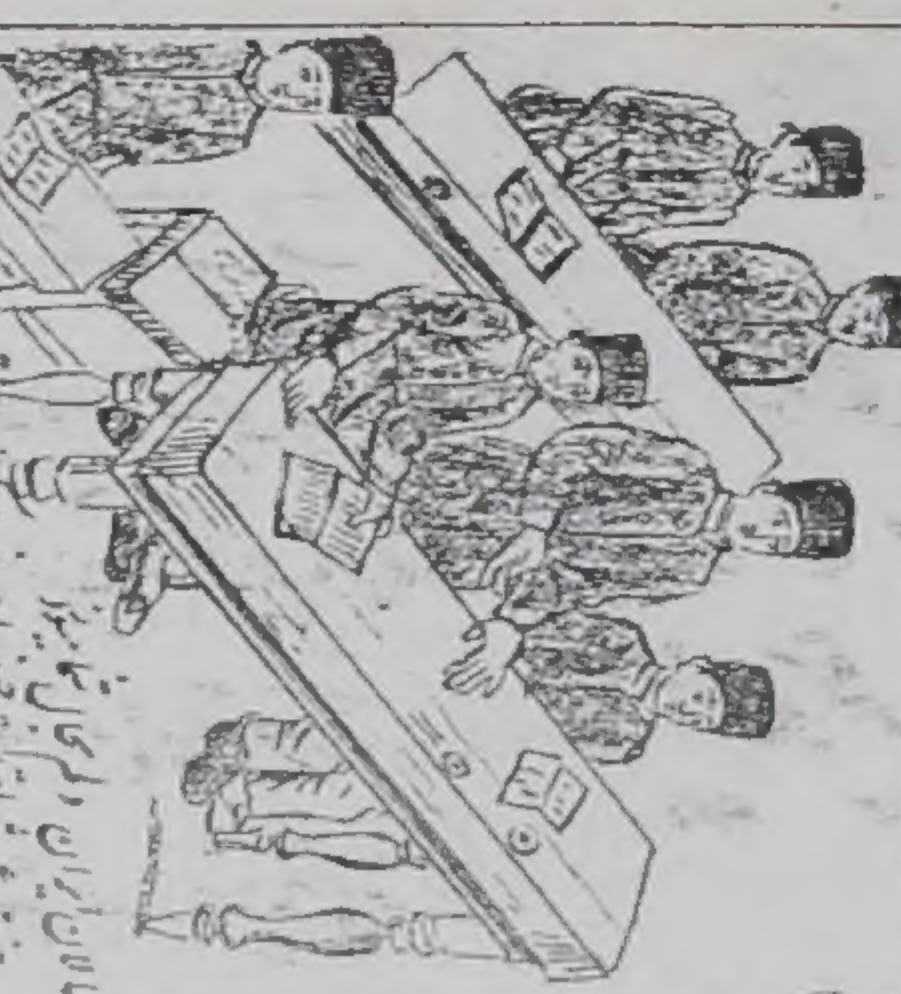




ایقان برین اعلان بزم ازین سخن بزم
و دست راست دین از دست رفت و ازین
بسته شود ظالم و برید از ظلم کرد و سلطان مان بر این رسید



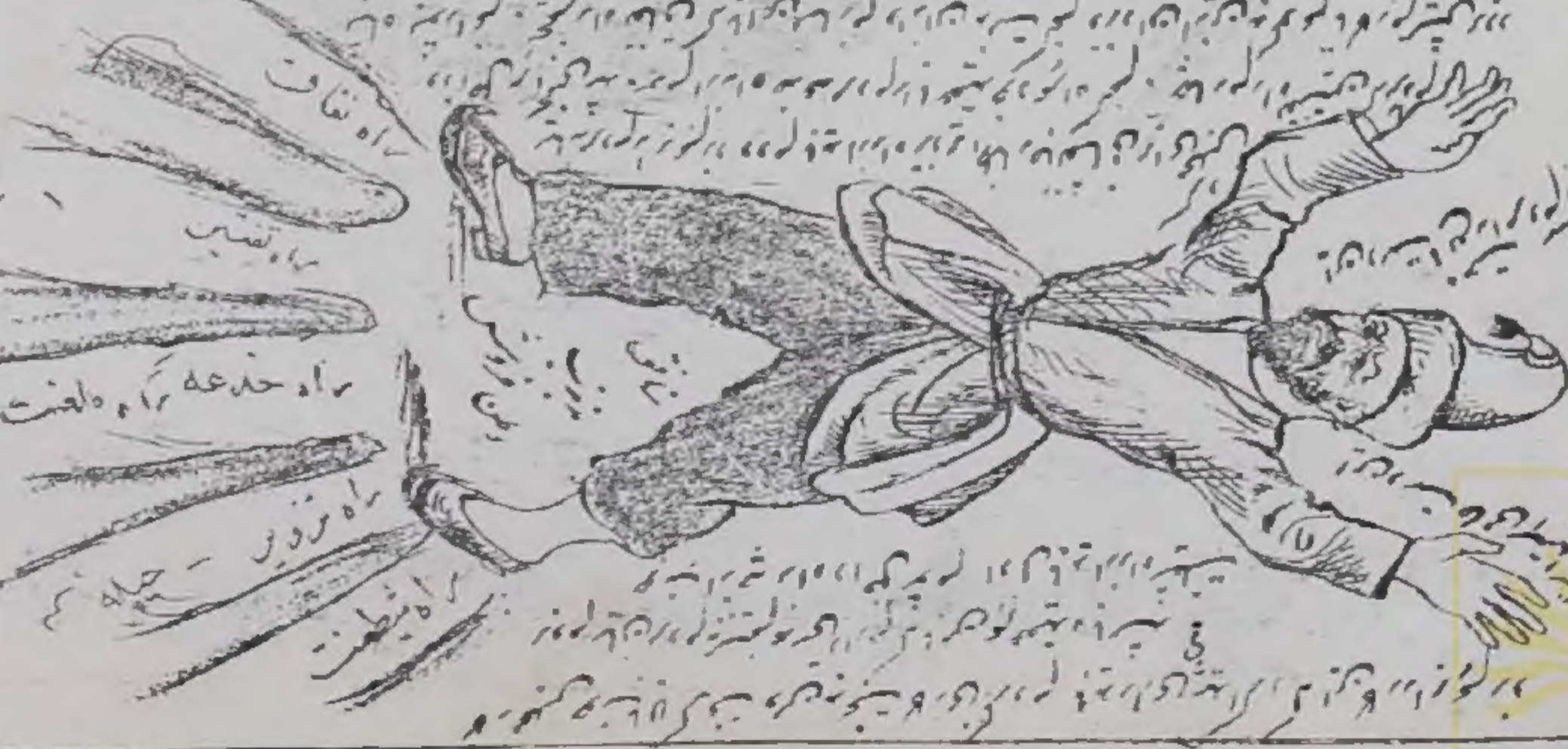
توان است خرد را که مگر در سخن
مست که راه را بداند
کارهای شایسته و پدید آمدن و پدید
خود را بکار گیرد و طایفه را بداند



ایقان برین اعلان بزم ازین سخن بزم
و دست راست دین از دست رفت و ازین
بسته شود ظالم و برید از ظلم کرد و سلطان مان بر این رسید



ایقان برین اعلان بزم ازین سخن بزم
و دست راست دین از دست رفت و ازین
بسته شود ظالم و برید از ظلم کرد و سلطان مان بر این رسید



ایقان برین اعلان بزم ازین سخن بزم
و دست راست دین از دست رفت و ازین
بسته شود ظالم و برید از ظلم کرد و سلطان مان بر این رسید

ایقان برین اعلان بزم ازین سخن بزم
و دست راست دین از دست رفت و ازین
بسته شود ظالم و برید از ظلم کرد و سلطان مان بر این رسید

بر لفظ امر معروف و سایر عناوین شریعتی تخریب میکنند و آشکارا بر نوامیس آئینه استخفاف نمی آورند و بی محابا
فاذکیت و کالید و نیون و کبلر و هوکو در سوراخا زیاده از علم ارامت و انسبای بنی اسرائیل فضل
نشانند و اهل ذمه را بر مطالبه مساوات با مسلمین تشجیع نمی نمایند و در مکاتب اطفال با بکشیهای خویش مستخدم
نمایانند و تبدیل غارت و توطئه و بیعت فوئمالان با نمیر دارند و قمار آید نیز از حیثان سپهسالار را با قاعده
کلا برهیم و هم عمل بر آورده است هر چه می شناسند و بر پایه آن فتنه روزگار براید بسیار ایجاد و بزبان آنها ناموس
شریعت و اهلش را بر باد می کنند اینهاست نوبت از بی معرفت و بی ارشکراتی که فتنه قضا و مضد از بهار پستان
خریت و شور ویت برای ما فرستاده اند و وعده داده اند که من بعد بر سر دم ازین باغ بوی برسانند تا رفقه
رفته آزادی محسد قباد و مساوات بی یزدک را از و اج بدهند و هر کس منکر و مزاحم بشود و بجلو گیری قیام
و ایستام کند او را بملطه حبس استبداد و تحت تخریب مجلس و اسپناد گرفتن و جوات و توسط حکومت قاتل
و امثال ذلک استخفاف بدهند و روزنامه چپهای و قبح الوجیه بدی القبان خود را بر او تهریش میکنند و یک مشت
خس و خاشاک و معدودی بی پرهای ناپاک را گفت غنیور نامیده و در اینجوم آفاتید بدینند و اگر بخوابد مسلمانان
بیدار کرده دزد های دین و دغلهای دنیا را بایشان نشان بدهد از خوف چادر بخوابانند و منبر بوزانند و بملکه کنند
و منقله بسیند ازند غافل از آنکه هیچ جلد و هیچ وسیله حق را حق نخواهد شد و باطل فائق نخواهد الا سلام بعلو و اعلی
علیه و همچنین سایر اوصاف و شرایط و تسبیح و حد و دی که حج اسلام نجف اشرف برای مجلس شورای ملی
تکراف خودشان تصریح فرموده اند خصوصا تقویت دولت که همه می بینیم هر چند روز یکت جمله جور از برخلاف حقوق
کلیه بیه از دستجات فرود و چیر که همه شهریه دارند یار و زانیگر نسبت باحت سلطنت علمی ظاهر و صادر میشود
لاستیا آن تقویتها که در موقع جشن میلاد پامونی از وقت قدیم اصیل نجیب ایران در سمع و در آوی سفار تخانها و سایر
یگانه نادیده و شنیده شد و از نوز تا یج آن بی اندامیاد بی احترامیهاست که امروز ددنه های سبجوار در صد و ابران خودنا
و لک آرائی میکنند کشتیهای جنگی زود پس در سه مرکز از سواحل جنوبی خنجر لنگر انداخته است و عساکر عثمانی محض جلو گیری

و اتفاق را برهم زدند و سپیدک تفرقه انداخته عادت و بر میستند حیدری قنبری را بایران عودت دادند قسمتی از علما
 در شهر با انواع چاپ و سیاه و خوش آمدگوینها و منقشات دیگر قنبر کرده در فراجهای مبارکشان بر نحو که میخواهند
 تصرف میکنند که تصرف المذاک فی الاملاکم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و اگر ارجاناً در موضوعی احساس مساعدی میکنند
 فی الفور تفرقه ریختن مجتهد محترم تجدید بشود و از حسد بیداری کله سیاسی غن میرود و ترجمه پی در پیال بشمار دست میکند
 و قسمت دیگر از علما را در زاویه مقتدیه حضرت عبدالعظیم علیه السلام به فایز تمت و وطن روزنامه چاپی مکتوب ایحال
 که از غایت نشد و مایکی و تنی دستی بکالای بنائی و بجائی معاش میکند راندند و داده لایزال بر شتی عصا
 و تفریق کله می افشایند و خود در سایه این رقابت با فراغت خاطر نشسته نقشه میکشد و نقشها میریزند روزی نیست که
 گریه بر نهانند و مگر که مار گیسوی بگیرند و با طایفه بازی بچینند از اینجا است که مجلس با مسلمانها را خاصه خود
 میخواهند و میدانند بجای ای مجلس بی ما بر این وضع حالیه که کار خانه خیال بانی با بسته شده (که
 بانی سال دیگر قصب دین حیدر شوی)

و از شهر ایط و اوصاف مجلس که در تکرار فسطور منظور شده و اند آن است که مجلس باید مجلس امر معروف و
 نهی از منکر بود و باشد علماء و مهاجرین زاویه مقتدیه هم بنظر مجلس میخواهند نه آنکه هیچ مجلس نخواهند لغت خدا بر کانی
 با و که این نسبت را بایشان میدهند و بر مردم مقصد مهاجرین را مشتبه میکنند اینک از کسانی که حقیقه بوجود صانع
 قائل و بکتاب مجید مقتد و بدین جنیف مقتدیه سؤال میکنیم و میگوئیم این مجلسی که می بینید در تحت سینه
 و استبداد لاند زبان و آزادی طلبان واقع شده است و تجاری احوال و اوضاع آن را مستقیماً بر سیاق پارلمانها
 اروپا ادار میکنند آیا مجلس امر معروف و نهی از منکر است یا مجلس نهی از معروف و امر بمنکر است آیا بواسطه نهی
 دادن مردم کیان عصر کله آزادی را در این ملک تجریات و تنکات مردم تا چه اندازد نهاده است و قانون فحشا
 و فسوق و فجور تا کجا شایع شده آیا زنها با پس و دانه می پوشند و بکوب و بازار را نمی فتنند آیا در غرابات
 شب جشن چته را از این بی ناموسی نوظهور مشاهده شد و شرب الی و فاش فاحش بنظر ما رسید آیا فرق فاسد نهان



(۱۱۲) مضطرب شدن مردم از غلامان بیک در خانه
 پیدا میشود.....
 (۱۱۳) چیدن مردم بیکدیگر مانند جوانان در
 سرتاپها برای اوطا کردن و زنا نمودن.....
 (۱۱۴) صرف کردن مال بسیار در باطل و مقصدا
 نمودن از صرف انداختن در طاعت الهی.....
 (۱۱۵) رنجاندن پدر و مادر و اهانت و استخفاف
 کردن بآنها و بدترین خلق بودن آنها نزد اولاد
 (۱۱۶) شاد شدن اولاد از افترادن پدر بکران
 بپدر و مادر آنها.....
 (۱۱۷) دست یافتن و تسلط شدن زنان بر هر
 امریکه خواهر نفس ایشان در لالت.....
 (۱۱۸) تهمت و افترا بپدر و اولاد پیدان.....
 (۱۱۹) نفی کردن اولاد بپدر و مادر.....
 (۱۲۰) شاد شدن اولاد بپدر و مادر
 اند و هنگام شدن مردم از آنکه وفود
 بر آنها بگذرد و ایشان در آن روز گناه بزرگ
 نموده باشند مانند اوطا و کفر دادن در تراش
 و پیمان و میثاق حرام و خوردن شراب و
 سایر مسکرات و حساب نکردن آن روز با اقام
 غیر خود.....
 (۱۲۱) جمع کردن اهل تسلط غلات را از بزرگ
 فرزندان آنها بقبضه علا و گرفت.....
 (۱۲۲) دادن غنیمت و مال امام علیه السلام را
 با اهل بیرون و قمار بازی نمودن و شراب خوردن
 آنها بآن اموال.....
 (۱۲۳) مداوا نمودن بریهها را با شراب و
 نمودن اوصاف نرا از برای آنها.....
 (۱۲۴) متفق شدن مردم در ترک امر معروف
 و نهی و مسکوت و ترک دین داری.....

(۱۲۵) با قهر و غلبه شدن منافقان.....
 (۱۲۶) با نصرت و دوست شدن منافقان
 (۱۲۷) عقوبت و پذیرفته شدن بخان منافقان
 (۱۲۸) سکوت کردن اهل حق از کلام حق بوی
 گوش ندادن بخنان ایشان.....
 (۱۲۹) با ابروت شدن کفایت از آن و اما عیب
 اجتماع کردن خلق خدا نشود در میان
 از برای غیبت کردن مردم و تعریف و وصف
 نمودن از شراب و مسکرات.....
 (۱۳۰) اما من جماعت کردن از برای مردم
 کسانیکه بواسطه خوردن شراب در حال سکر
 و مستی و مسی و اعیاب پیدا کنند.....
 (۱۳۱) اکرام کردن مردم بکینکه مست شده
 بواسطه نشسته و معذور داشتن و زادن را
 این معصیت بزرگ.....
 (۱۳۲) خوردن اموال یتیمان با ادعای فقر
 و صلاحیت نزد مردم.....
 (۱۳۳) حکم کردن قاضی بر خلاف امر الهی
 (۱۳۴) پیروی کردن حکام شرع از راه طمع
 از خاشاک.....
 (۱۳۵) سپردن حکام شرع میراث صغیر را
 بقتیم فاسق و جف و میل نمودن انفسا و در
 آن میراث.....
 (۱۳۶) امر کردن و قاطع و با لای منبرها را
 بتقوی و پرهیزکاری با آنکه خودشان با نجه
 میکنند عمل نمیکند.....
 (۱۳۷) استخفاف کردن مردم ببلوغات نماز
 و سبک انگاشتن مجاز آوردن نماز و اقلید
 (۱۳۸) دادن وجوه بتریف و بوسط کردن
 و ساطع و فصلی قرب نداشتن و زادن آنها

(۱۳۹) دادن وجوه بتریف و بوسط کردن
 مطالبه آنها با ابرام و اصلد.....
 (۱۴۰) منحصر شدن محبت مردم با سرخودان
 بدفع شهوت و غریبه با ناک نداشتن آنها
 حلال و حرام خود را و بی پروائی ایشان
 در دفع شهوت چه مجرام باشد و چه مجلال
 (۱۴۱) روا آوردن دنیا بمردم.....
 (۱۴۲) مندوس و کینه شدن علامتهای حق
بنا بخل و اعتدال در هر کار و تقصیر
 نمودن بآن و تسبیح به من فتنه آخر الزمان
 و ما ابرو نفی انا النفس لا ماته بالتر
 الا ما رحم ربی.....
 ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا و رحمتنا
 لنكونن من الخاسرين.....
 خدا یا ما اهل مملکت ایران ظلم و ستم کردیم
 بر نفس خود بذات قدس اگر از تقصیرات ما
 در نگذری و ما را هدایت کنی بهشت خود
 این اوقات فتنه آخر الزمان بود بروزگار
 اهل قرآن و شیعیان از دوزخ سابق بدتر
 میشود و در آخرت هم معدن بوده هلاک
 خواهیم شد خسران دنیا و الاخره و ذلك
 هو الخسران المبين
 و استلام علی من اشيع الهدى و اجنب الهم
موعظه علی السیاطره
 خرمات خود را از دنیا بکشیم دیانت باقی این کیم
 بر لوح محفوظ اندکیشد
 ما کشف فیما یروى کبر الید
 از ما قیامت که بر نفس کشیم
 ما از منقص خطا و نیک
 شاید که مشاطه بجه کشیم
 یا این عمل دوزخیا کاهل کشیم

بسمه تبارک و تعالی

سواد تکراف حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آية الله فی العالمین آقا ی آقا سید محمد کاظم طباطبائی
دامت برکاته العالیه که بجانب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین کشف العلل و المجتهدین آقا ی آخوند آملی دام
ظله العالی مخابر و منبر نموده اند

از نجف اشرف نمره (۶۷۰)

جناب ثقه الاسلام آملی دامت برکاته از تجزی مستدعین و اشاعه کفریات محدین که نتیجه حریت موهبت است
قرار سلوب تکراف مزید تشویش بعون الله متمشیات ایشان شدنی نیست لیسبت دفع کفریات و حفظ عقیده
و احیاء قوانین محکمه شرعیه و شریعت ابدیه محمدیه اہم فہم انقض ربانین علماء باطلاحہ جہات موجبات
صلاح و صیانت دین و دمار مسلمین منظور اظلاع داد و بدل مجبوس شود

محمد کاظم طباطبائی بیت و سیم جادی الاولی

برادران دینی ما در این تکرافهای نجف اشرف کپی در پی بطبع رسانید و منتشر ساختیم تا تل و تنکر
بکنند و در سخنان این بزرگان اسلام که محل تقلید کا فانا مہستند دقت و تعمق بنمایند تا و مطلب مهم
برہم معلوم و مکشوف بشود

یکی آنکہ از سلسله حبیبہ رؤسای ملت آمدی منکر مجسمہ شورای قلی اسلامی نیست و دیگر آنکہ تمام ہستام

حج اسلام در جلو کسیری مرتدین و دشمنان دین است چه پیروان میرزا علی محمد تشیرازی معروف

برائے چه جماعت ہوا پرست طبعی مذہب فرنگی مآب چرا کہ با محسن و البیان می بینیم و می بینید کہ در نظر

از جن موعود که آن بزرگوار منور بود غنچه بر خاک ایران تاخته هفت هزار کس از هموطنان ما را طعمه آتش ساخته است

بی ادب تنهانه خود را داشت بر
بلکه آتش بر همه آفاق زد

باری برادران دینی ما در این تگراف تأمل و تفکر میکنند و ببینند که حضرات حج اسلام مجاورین نجف اشرف مجلسی را
که خواسته اند چه صفت و کدام قید و شرط است حضرات حج اسلام مهاجرین زاویه مقدسه هم همان مجلس را میخواهند
و مخالف چنان مجلس را مخالف شرع و مجادل با صاحب شریعت میدانند و البته تمام اهل اسلام هم مجلسی میخواهند که
بهین اوصاف و قیود و شرایط آراسته بوده باشد پس صاحبان این تگراف شریف و مهاجرین زاویه مقدسه مسلمانان
حاکم محروم پس تانابریک قول و یک عقیده و یک رای هستند و مخالف و معاند ایشان تبعه باب و فرق فرنگی باشد
که بگویند ما مجلسی میخواهیم که مثل پارلمان المان بوده باشد و نظری تقویت اسلام و حفظ دمار پس لین و امر معروف و
نهی از منکر و سایر اوصاف و ملاحظات که در این تگراف مأخوذ است نداشته باشد

پس مردم ایران اگر چه هنوز از آرا یکدیگر اطلاع کامل حاصل نکرده ایم ولی در نفس الامر سوای آن دوفه قه تمام شده
هستیم قطار ای گرگان و پیکان از ما جداست





مؤمنان را از انفس شده ای و با ما است که محسن را بخواند
به پیشانی است که عباد این که در آنکه در شایسته اند و در آنکه بخواند
با دینجان کی تو عبادی خود را که سر دیه بان تبار شود

[illegible]

عمر اقصی را رسید به در آن شهر که از آنجا که آمدن شد از آنجا که
شهر که از آنجا که آمدن شد از آنجا که آمدن شد از آنجا که آمدن شد

[illegible]

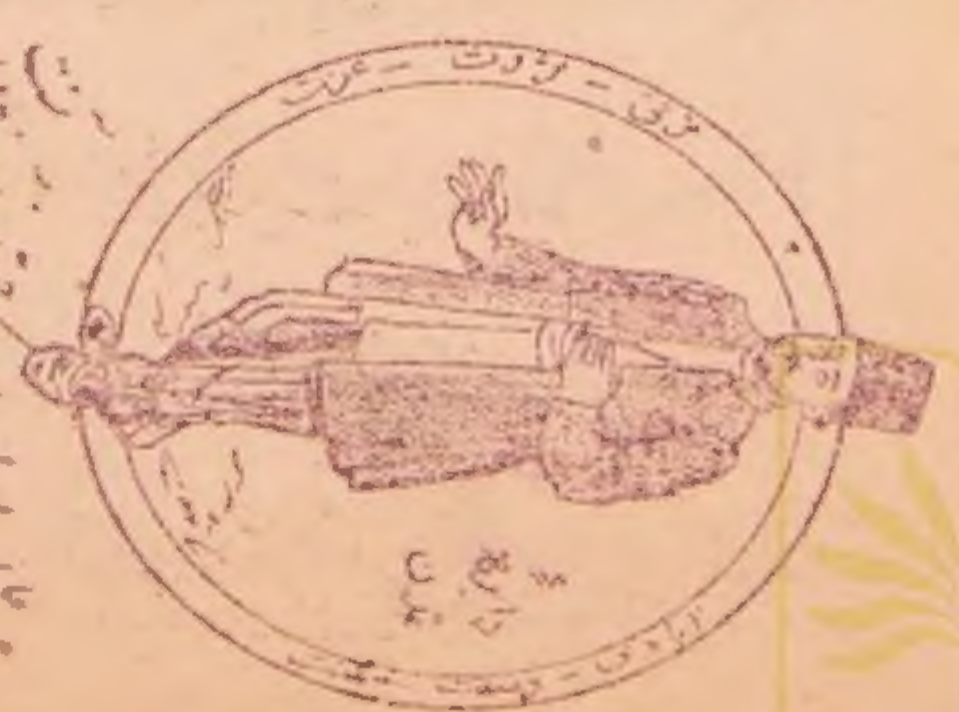
اگر اولیای این مملکت را در این مملکت مشاهده کنند، شکر الهی را در این مملکت مشاهده کنند.



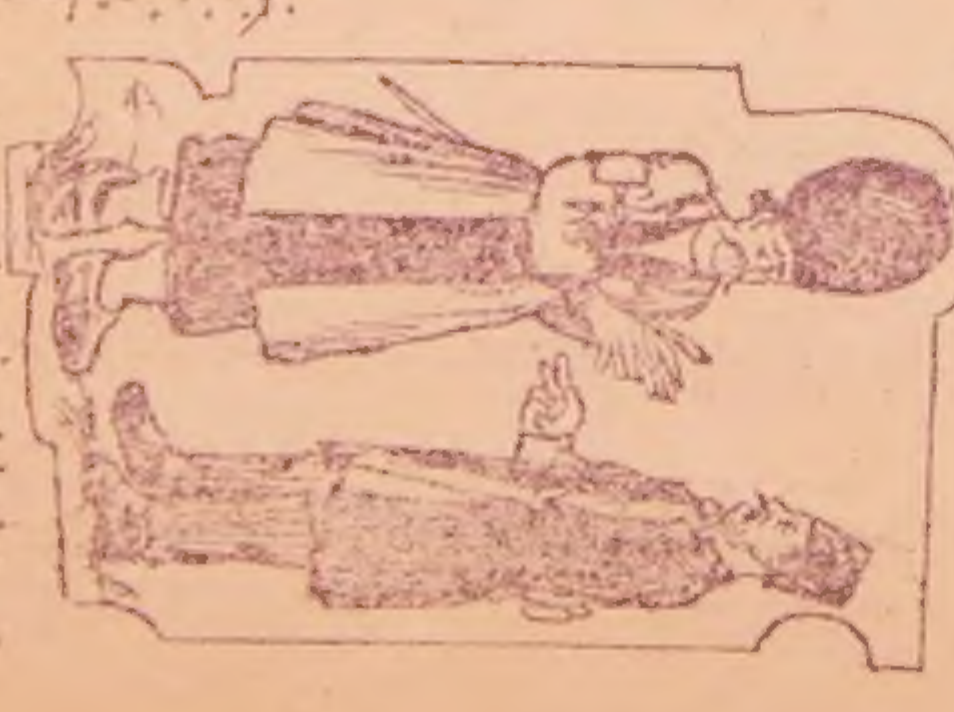
سلام علیکم انا اور مرگوست سید ابوالخیر



فصل في معرفة ما يجب من الصدقات



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام



سوره غافر ۱۰۰ تا ۱۰۲

موجودہ ادبی وضع کے درمیان انفرادی اور اجتماعی

الحمد لله الذي جعل العلم نوراً يضيء القلب

...

کفر و فسق کما جنت و عدت نیت و بادش چید

[illegible]

دینار ایچین حلف کجایم مدام است عیسی بخدا و رسول
خدا و انصاف کجایم که دشمنی با یار
کودان یزدان من از تو تو تصدیق بات کندم
دینار ایچین حلف کجایم مدام است عیسی بخدا و رسول



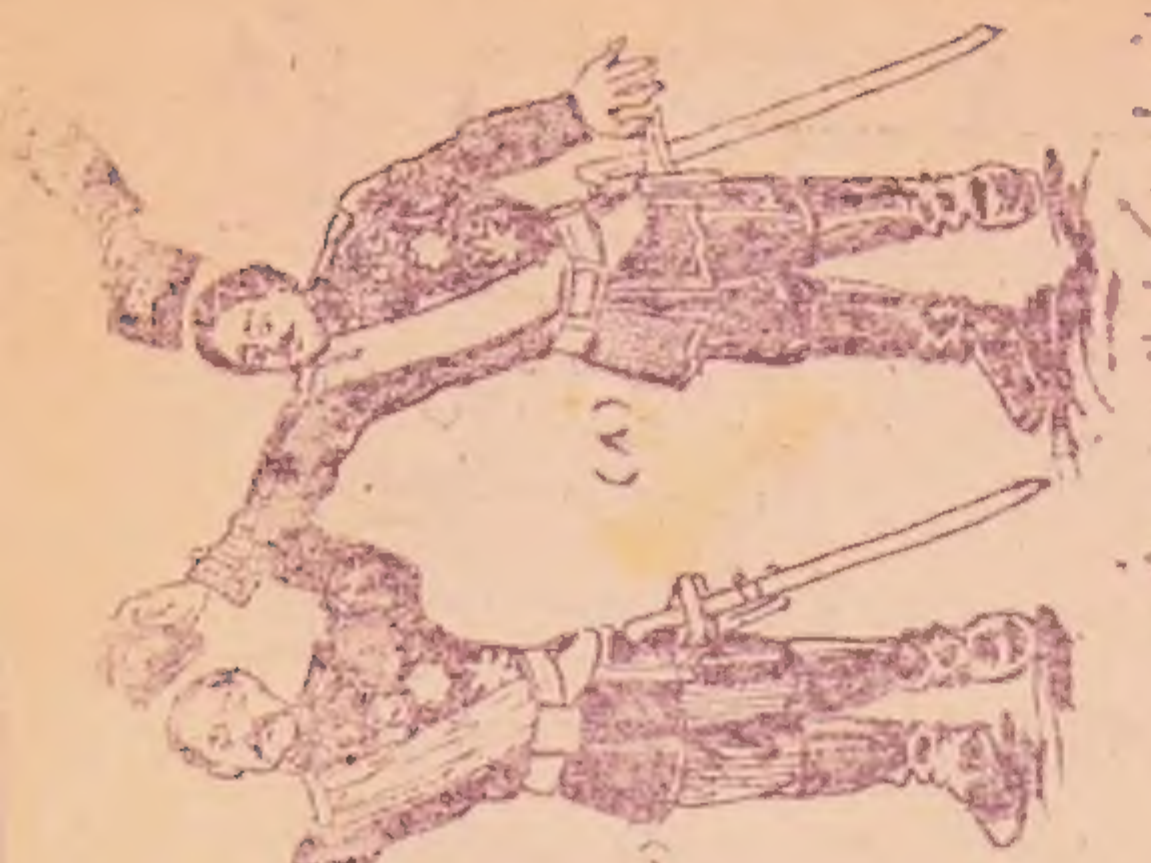
صورت آن که در حوضه دیده و به مجسم صورت است که
 اگر که باشد هر که اصل این مجسمه بداند که از کجاست
 مختصات آن را بداند است و از او را جز خدائی اعلم نیست
 در این باب چه گوید



سبحان الله کس که میخواهد ۱۰ از این معجزات را مستند و
 نداند که آنرا خداوند مقرر فرموده است که هر کس این را بخواند
 هر کس شرط را بخواند



(۱) یعنی جو: سرانجام کی کاغذ، مال اراحم دست جمعی بود



(۵) دست بستی تو مانند دست مبارکین خواجهان



(سیاسی)

علماء طریق نفاق و مخالفت و دانا یان راه تنویر و لغت و پیشوایان سپیل
حیل و شیطنیت رای می دهند که برای شرف و مخالفت یا مجلس
شورای ملی و ترقی مملکت نفاق و از دیاد انباء نوع مخالفین و بدست آوردن
استبداد چذراه را باید پیش نهاد سازند

اول انقای شبیه بمقام المناس که مجلس مجری قانون فرستاده خواهد بود
و در ایران قانون جاری خواهد شد دوم هر اقتشاسی که در شهر واقع میشود اربابی
نظمی و شرارت دست یازد و آدم کشتن و کی نان و کرانی گوشت بپزد
آن زنهای فاحشه و برور امراض جنائی و روحانی از قیصل تب و توبه و
رکام عطله و در سب از تائیس مجلس شورای ملی است ولی بر کشتن بول
و ترک بترجس و تشکیل بانک ملی و تعدیل مالیات و تربت و تطیم وزارت
خانها که از اقدامات مجلس شورای ملی است باید از خنثیت صاحبان
یتول که خودشان و اگر از سوده و مین اتفاقات و تدابیر مستبدین
کرد سوم باید جماعتی از زنهای سبطه را محرک شد که به کان بخاری
رفته و فریاد کنند و تفرین با قیایان و بی احترامی بمجلس مقدس نمایند که اینها
باجب کی نان شده اند چهارم هر بخو که شرف داشته باشند باین و کلامی مجلس
شکواب نموده که کم کم باعث رنجش شده بخاصه پر دارند تا از کارهای ملی
و اصلاح امور بازماند پنجم هر قسم که ممکن هست خاطر مقدس پادشاه را
برسانس اجماع از رعیت آورده و بسوی خود سطوف اند ششم هرگاه
وزارتی باشد و آن تازه خواست از مجلس برای تدبیر برتری رای او را بر گرد
و با خود بدست نموده که ساد مانع از خیال سبتین باشد هفتم اگر ممکن باشد
با مین حج اسلام را جلای انداخت که بخود شمول شوند تا بحال اینکه نظارت
با بحال منافقین نمایند داشته باشند ششم هر روز از گوشه و کنار اسباب
قتل و قتل و عارت و مرج و مرج را فراهم آورد و همه را مستبدین
نمودنم اگر از تمام این ترتیبات کاری ساخته نشد باید خود را بخواه مجلس
قلم داد و گفت بمجلس منوایم نداین مجلسی که دارای شخص فاسد العقیده و بی
همم که این مجلس را ساخته نشد و ممکن نبود که چشم مردم را بت یکبار باید از شهر
خارج شد و در کجی نشسته و آیه نامه و نامه را به اجون از خانه و دست یازد از

(منصب)

جناب فدان ... که سالها است در میان مردم بریا کاری خود را شهنوده
چون برای مخالفت یا مجلس شورا حیل و کار برده و تمام هم خود را صرف آن نموده
مخوسه نموده از طرف ملت منصب سائق الدوله منصوب شده و تمام اقوام
و قارب او این مخالفت سر بر میان نسوده و در وی نگاه کردن بی کرد
الای ایران را ندارند

(بدنامی و نیک نامی)

اسم پستانه کرد و چهار صد و دوازده هزار نفر از ای ایران بواسطه حسن
قانون عدالت و اجرای حکام محمدی و ترویج مذهب جعفری و تائیس مجلس
شورای ملی و تشکیل بانک ملی و از دیاد ثروت و ثروت و ثروت و ثروت و ثروت
اسلام و رفیع آه و ناله ضغنا از شخص پادشاه در کتب تواریخ بی حقوقی و سرکشی
و اگر خواهد شد ملی هزار نفر سبتد مخالف و منافق که بر بسم زنده اسل
شرطیت و عدالت و مروج نفاق و شیطنیت هستند در عالم کشناسی و دودویی
دخوشنامی باقی خواهد ماند

(احبار خارجیه)

از مجلس دومی روس مجلس مقدس شورای ایران با مکراف خیال
چنین منابر به نمایند که با نظور که پادشاه جو اخیست ایران در صدد اجرای
توانین شرطیت است و مخالفین نمیکند از ما هم همان قسم بدرد شما
که قاریم خداوند دل این دو پادشاه را از حقیقت کار آگاه فرماید

(اتفاقات)

یکی از مشروطه طلبان در خیابان خیال آباد یکی از مخالفین رسیده گفت
شنیده ام که شما صد مجلس سبتد جوابی ادا من خود بخواه مجلس ما ششم
ولی بگویم این مجلس منت ... باید و کلاهی از پشت پرش نمایان

(نوع پرستی)

شاطران و ای ... از خدمت گذاری نسبت بمجلس های خود کار را بیانی
رسانیده که نان هفت شاهی را سابقا شش سیری بخت حال در
دکان بخاری صغنی بدوازده سیر رسانیده تا صاحب دکان و شکست
شده و دیگر روی دست نانوائی قدیم نمود (کمالورضی)

بسمه تبارک و تعالی

سواد تکراف حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آية الله فی العالمین آقا ی آقا سید محمد کاظم طباطبائی
دامت برکاته العالیة که بجانب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین کشف العلل و المجتهدین آقا ی آخوند آملی دام
ظله العالی مخابر و منبر نموده اند

از نجف اشرف نمره (۶۷۰)

جناب ثقه الاسلام آملی دامت برکاته از تجزی مستدعین و اشاعه کفریات محدین که نتیجه حریت موهبت است
قرار سلوب تکراف مزید تشویش بعون الله متمشیات ایشان شدنی نیست لیسبت دفع کفریات و حفظ عقیده
و احیاء قوانین محکمه شرعیه و شریعت ابدیه محمدیه اہم فہم انقض ربانین علماء باطلاحہ جہات موجبات
صلاح و صیانت دین و دمار مسلمین منظور اظلاع داد و بدل مجبوس شود

محمد کاظم طباطبائی بیت و سیم جادی الاولی

برادران دینی ما در این تکرافهای نجف اشرف کپی در پی بطبع رسانید و منتشر ساختیم تا تل و تنکر
بکنند و در سخنان این بزرگان اسلام که محل تقلید کا فانا مہستند دقت و تعمق بنمایند تا و مطلب مهم
برہم معلوم و مکشوف بشود

یکی آنکہ از سلسله حبیبہ رؤسای ملت آمدی منکر مجلس شورایی قلی اسلامی نیست و دیگر آنکہ تمام اہتمام

حج اسلام در جلو کسیری مرتدین و دشمنان دین است چه پیروان میرزا علی محمد تشیرازی معروف

بیا سبب چه جماعت ہوا پرست طبعی مذہب فرنگی مآب چرا کہ با محسن و البیان می بینیم و می بینید کہ در نظر

که بر کردن کارهای بد که با غوا شیطا
و شوبلا نفس آنها را بجا میاورند
و بنا ظلمنا انفسنا و زکفرنا لیکون
من الخاسرین

مشار مؤبر کنهها نیکو است
آخر الزمان نزدیک بظهور قائم
و قراج پیدا میکند و منع زانها
بصد چهل چنان

- (۱) مضمحل شدن خود و رفتن اهل حق از دنیا
- (۲) فکر کردن بچیز و ستم بلاد و شهرها را
- (۳) عمل نکردن با احکام قرآن
- (۴) توجه نکردن به نمودن قرآن را بخواهی نفس
- (۵) متقلب گردیدن حق
- (۶) بلندگو غلبه نمودن اهل باطل بر اهل حق
- (۷) آشکار شدن شر
- (۸) ظاهر شدن فسق
- (۹) اکفای کردن مردان و زنان بزمان
- در دفع شهوت
- (۱۰) سکوت کردن مؤمنان از بیان دامن و نوا
- الهی بواسطه قبول نکردن قولش
- (۱۱) دروغ گفتن اهل فسق
- (۱۲) حقیر شمردن کوجب بزرگ را
- (۱۳) قطع شدن از حرام
- (۱۴) محزون کردن فاسق و فاجر بر مدح نمودن
- مردم آنها را بفسق و فجور
- (۱۵) لواط دادن پسران و مردان
- (۱۶) جفت شدن زنان با یکدیگر برای محقق
- (۱۷) بسیار شدن مدح و تشاد و بیخ خلق
- (۱۸) صرف کردن اموال در غیر طاعت الهی

- (۱) تعجب کردن مردم از کارهای خیر و سبیک
- در و اخلا از مؤمن بظهور میرسد
- (۲) اذیت کردن همسایه به همسایه
- (۳) شاد و خندان شدن کفار از مشاهده
- فساد در دوزخ
- (۴) خوردن شراب و سایر مسکرات و علا
- و اشکار
- (۵) ذلیل شدن امر شده بجهت
- (۶) بافتن و پندیدن شدن سارقین
- مردم در میان با چرخهای که خدا آنها را در
- (۷) حقیر کردن ائمه اثنی عشر علیه السلام
- و حقیر کردن دوستان آنها
- (۸) منقطع شدن راه خیر و باز شدن راه شر
- (۹) نرفتن اهل استطاعت بجهت بیایند
- مرد بکران آنها را بترس زيارت
- (۱۰) عمل نکردن مردم با آنچه خود بد بکران میگو
- از مضایح و از بجا آوردن اعمال خیر و از نکردن
- کارهای بد
- (۱۱) غذای قریبه خوردن از برای عمل لواط
- (۱۲) غذاها و دواها خوردن و استعمال نمودن
- زنان بجهت فریاد شدن از برای حقیر کردن بایکدیگر
- (۱۳) گداز کردن پسران را بر بختل از دادن لواط
- (۱۴) گداز نمودن زنان را بر بختل از دادن
- (۱۵) مجلس فراهم کردن زنان از برای امثال
- خود از زنان مانند مردان
- (۱۶) مایل شدن جماعت کوفه از بعضی طوائف
- بدادن لواط بواسطه داشتن ناخوشی ابنه
- (۱۷) زلف کندن مردان و بختل کردن
- ان و شانه زدن بر بدن مانند زنان شوهر دار
- (۱۸) مال دادن بعضی طوائف بعضی دیگر

- بواسطه داشتن ناخوشی ابنه نا ایشا را
- لواط نمایند
- (۱۹) شپوع بهر نمایند لواط با پسران
- حسد بزدن زنان بر آنها در ترک نمودن
- بایشان
- (۲۰) عزیز تر شدن صاحب مال از صاحب
- نزد مردم
- (۲۱) آشکار شدن خوردن ربا
- (۲۲) فخر کردن زنان از اینر بدادن زنا
- (۲۳) رشوه دادن زنان بشوهران از برای
- بایشان در خصوص عمل صاحب و در خانه
- زنا دادن بمرغان
- (۲۴) اغنا و کلان کردن خانوادهای
- زنان را برفیق و عمل زنا
- (۲۵) محزون و حسی و ذلیل شدن مؤمن
- (۲۶) ظاهر شدن بدعتها و عمل زنا در میان
- (۲۷) اعتقاد نمودن مردم بشهادت شاهد در
- حلال دانستن چیزهای حرام
- (۲۸) حرام دانستن چیزهای حلال
- (۲۹) استنباط کردن احکام بزیای و خواهر
- (۳۰) تعطیل نمودن قرآن در احکام شر
- (۳۱) انظار کشیدن اهل فسق از مدینه
- برای بیان با اعمال قبیح و بجا آوردن آنها
- در دوزخ روشن بایشان از مدینه شب
- (۳۲) قدرت نداشتن مؤمن بر ارتکاب کردن
- اعمال مردم مکرر در دل خود
- (۳۳) انفاق کردن مال بسیار در مصیبت
- (۳۴) مقرب کردن حکام اهل کفر از دین
- و دور نمودن از خود اهل خیر
- (۳۵) رشو کردن حکام در حکم کردن و حکم

علامه ظهور قائل محمد
علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا
محمد وآله الطاهرين الطيبين الطاهرين
والسلامة على اصحابهم ورحماتهم ومغائدهم
الى يوم الدين

بعد چنان گوید این خبر فایه سبط المرحوم
حاج میرزا میرزا علی بن محمد جعفر الطهرانی که حد
شمری از امام ششم صادق قال علیه السلام
در خصوص علامه ظهور قائل محمد عجل الله
تعالی فرجه از شیوع پیدا کرد و بدینها و
شهادت اخیر الزمان لازم دانستم که امور
تجدید شد و در این اوقات که هر چه مرجع شد
تمام بلاد و آبادیهای ایران بهر سید
خصار در این ورقه مرقوم دارم از برای آنکه
اعمال فرزندان و شعبان بن علی را بداند
که صد و رفع و دفع آنها برانند و انچه پیش
نموده است در باب بی ام از شیعیان و شیعیان جلد
پنجم از بیست و پنج جلد کتاب بخارا الا نوار طبع
علامه رحمه در صفحه ۱۶۸ و صفحه ۱۶۹ از نسخه
که در دست است بطبع رسیده و مشتمل میباشد
بر ۱۴۰ فقره از بدیع و فغان و معانی
و همچنانکه مختصر است بریدن بیشتره المانی که
نقل در فی فاشه باشد به اصطلاح شیعیان
و همچنین مختصر است بخواس خد و اندامان و
و تمام زمان علیه رفع و دفع این بدی
و این باب که عمل نماید اهل مملکت ایران باین

در این کتاب مرقوم شده اول کتاب کمال
محمد علیه السلام دوم کتاب حد و تقوای ال
محمد علیه السلام سوم کتاب طاعت ال محمد
علیه السلام کتاب اول و کتاب دوم منقسم
بطبع رسیده و با فعل در حجر جناب فحاشا
اقامه حاجی محمد ناصر کتاب فروش واقع در کربلا
تمیجه کافر و شان از سرای حاجب الدوله
میان را از سببی و زها موجود است هر چه
باجلد قیمت پنجاه و دو در کتبای نفیسه
خوب است و سلمان دارای یک نسخه از آن
کتاب بوده باشد مشتمل است بر بیست و
هفت و دو صفحه شصت و سه (۶۳) صفحه
است و در مندرجه در آن دو کتاب از فهرست
که در او آخر کتاب قرار داده شده بدین
بسیار نافع و خوب میباشد از دو کتاب
برای جماعت شیعه لکن در دست تصور که
شاید و باید از چاپ بیرون نیامد ان شاء
اگر عموم مردم طالب و خواهان آن شدند
کمال اهتمام بصددا از این خواهند شد
در حسن خط و بنکوی کاغذ و پاکیزگی طبع
کتاب کبیر محمد علیه السلام از ایام
که راجع است بتمام اقرای جماعت شیعه کائنات
من کان و کتاب حد و تقوای ال محمد علیه
متمل بوده بر امور که راجع است بتمام اقرای
شیعه بر کسب عموم و بر تکالیف سلطان اسلام
کاشان من کان فی کل عصر و اوان و بر تکالیف
مستلزم و علماء و مجتهدین و بر امور راجعه
بر بدین اطفال و لکن تکالیف سلطان و حاکم
از تکالیف مستلزم و علماء و مجتهدین و امور
و اوجه تریب اطفال بملاحظه اختصار از آن

کتاب الفاشه ان شاء الله در نسخه که بعد از این
بطبع میرسد آنها را مسمی نمائیم
و کتاب طاعت ال محمد علیه السلام مختصر است
و مشتمل میباشد بر هفت جزو پنجم و عدد صفحات
آن (۱۱۸) صفحه است و بخط خوش نوشته شده
و مجلد و طایفه بگویند که بدین و لکن هنوز بطبع
نرسیده ان شاء الله بعد از این بطبع رسیده
خواهد شد و ان شاء الله الغالب بر
ایالات اهل مملکت ایران از هر باب چه زیاده
امر معاش و چه زیاده غیر معاش و چه زیاده
ضعف ملت و چه زیاده ضعف دولت و چه زیاده
باب و سوا آنها که از برای محرمین اتفاق افتاد
همه از جهت شیوع این فواحش و منکرات است
در بین ایشان علاوه بر عنوان و عدای آنها لغو
و مساوات در آخرت باید باشد بر عکس ماسبق
تمام این امور برآید و بوسیله واسطه دار شدن
ایمان در دست صحیح و اقدام نمودن بطاعت
فرزانه در خصوص ایالات اهل مملکت ایران
از هر باب پیش خود این سخن میگویم
بلکه از کردگار میگویم فقول قال الله
تبارک و تعالی فی الایة الاربعین من سور الزور
ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدئناظر
لیدیتم بعض الذی عملوا العلم برحیمون
(ترجمه)
خدا و خدای در تمام اطراف ایران از هر باب
ظهور پیدا کرده بواسطه فواحش و منکرات
کارهای بد که شب و روز اهل مملکت ایران
ایشان بانها کرده و میکنند و این فساد و خرابی
بجهت آنست که بچشاند خداوند قهار باهالی
مملکت ایران جزای بعضی اعمال بد ایشان را

زین مود که آن بزرگوارند مود غنچه بر خاک ایران تاخته همت از کس از موطنان ما را طعمه آتش ساخته است

بی ادب تنه خود را داشت بر
بلکه آتش بر همه آفاق زد

باری برادران دینی ما در این تگراف تأمل و تفکر بکنند و ببینند که حضرات حج اسلام مجاورین نجف اشرف مجلسی را
که خواسته اند بی صفت و که ام قید و شرط است حضرات حج اسلام مجاورین زاویه مقدمه هم همان مجلس را میخواهند
و مخالف چنان مجلس را مخالف شرع و مجادل با صاحب شریعت میدانند و البته تمام اهل اسلام هم مجلسی میخواهند که
بهین اوصاف و قیود و شرایط آراسته بوده باشد پس صاحبان این تگراف شریف و مجاورین زاویه مقدمه مسلمانان
حاکم محروم پس تماماً بر یک قول و یک عقیده و یک رای بستند و مخالف و معاند ایشان بقدر باب و فرق فرنگی است
که بگویند ما مجلسی میخواهیم که مثل پارلمان المان بوده باشد و نظری بقویت اسلام و حفظ دین و مسلمین و امر معروف و
نهی از منکر و سایر اوصاف و ملاحظاتی که در این تگراف ما خود است نداشته باشد

پس ما ایران اگر چه هنوز از آرا بیکد گیر اطلاع کامل حاصل نکردیم ولی در نفس الامر سوای آن دوفسده تمام نشده
هستیم قطار ای گران و پیکان از ما جداست

اتفاق را برهم زدند و سپست فرقه انداخته عادت بر میستند خیدوی آتش را با بران عودت دادند قسمتی از علما
 در شهر با انواع چاپ و سبزه خوش آمدگوینا و منقشات دیگر قشخ کرده در فراجهای مبارکشان برنجو که میخواهند
 تشریف میکنند کتفرت الملاک فی اطلاق و ذوی الحقوق فی حقوقهم و اگر اعیاناً در موضوعی احساس نامساعدی میکنند
 از انظار و نظر و سخن مجتهد محترم تجدید بشود و از حسنه اری قله سیاسی غن میرود و ترجمه بی ثمران بشمارد و بکله
 قسمت گیر از علماء را در زاویه مقتدای حضرت عبدالعظیم علیه السلام به فیرت و وطن و دژنا مجپهای کشونی اریا
 که از خایتانند و یکی دستی بکاهی بنای و بجای ساش میگردانند و دارد و لا یرال بر شایسته
 و قریب عهد می افشایند و خود در سایه این رقابت با فراغت خاطر نشسته نقشه میکشد و نقشها میرزند روزی نیست که
 گریه نهضتاند و مرکز ما گسری گیرند و با طایفه بازی نمیکنند از اینجا است که مجلس با مسلمانان را خاصه
 میتوانند و میدانند بی ای مجلس بی ما بر این وضع حالست که کارخانه خیال بافی با بسته شد (که
 بانی سال دیگر لقب دین حیدر شوی)

و اثر شرایط و اوضاع مجلس که در انکراف مطور منظور شده بود و اندک آن است که مجلس باید مجلس را بر معزوف
 بنی از منکر بود و باید علماء را برین زاویه مقتدایه هم بنیور مجلس میخواهند نه آنکه هیچ مجلس میخواهند لغت خود برکنار
 بگویند این نسبت را ایشان میدانند و بر دهم مقصد مهاجرین را مشتبه میکنند ایستادگانی که حقیقت بود و در
 قائل و بختابه مجید مقتد و بدین جنیف مقتد بهتد سوال میکنیم و میگوئیم این مجلسی که میبینید در تحت سینه
 بنیاد از بیان و آزادی طلبان واقع شده است و تجاری احوال و اوضاع آن ر مستقیماً بر ساقی پارسی
 از و اوار میکنند آیا مجلس امر معروف و نهی از منکر است یا مجلس بنی از معروف و اگر منکر است آیا بواسطه
 دادن مزدکیان محرم کله آزادی را در این ملک تجریات و تنکات مردم تا چه انداز دهند و دهست و قانون فی
 و فوق و مجور تا کجا شایع شده آیا از نهال با پس و از نیپوشند و بگویند و بازار ما نمیفتند آیا در غرابات
 شب جشن چه در این بی ناموسی نو ظهور مشاهد شد و شرب الی و فاش فاحش بفرار رسید آیا فرق فاسد بین

(بقیه شرح متعلق بتکراف نجاشرت)

و از اوصاف و شرایط مجلسی که حج الاسلام و المسلمین آقایان نجف اشرف در این تکراف تعیین فرموده اند آن است که باید رفع ظلم و اغاثه مظلوم و اعانت مظلوف کند آقایان عظام مهاجرین را و بر مقدمه هم میفرمایند که دارند همین بدون هیچ اختلاف در سببیک از این شرایط و اوصاف ولی میفرمایند یا اهل الاسلام یا اهل نوره البتة یا اصحاب بیتة الشجرة به سببیک در این مملکت در طرف این بحال با مخصوص کار ظلم از بیجا کشیده است چه قدر خونها با حق ریخته شده و مالهای مردم با راج رفته و رجت و کاسب و تاجر از کار افتاده و فقرا و ضعفا و مساکین تلف شده اطفال یتیم و زنهای ثوبه و خانواده های سرپرست مانده است روزی نیست که بتوسط تکراف یا اداره پست یک بغل پاکت های تعلقات از اطراف و کفاف نرسد همه محرق اقلوب همه شیر الاحزان همه طوفان البکار در هر شهر و هر روستا جماعتی با سپیم انجمن محلی هستند و همه اسپستان شده در غایت قنات و استبداد مشغول خود کامی و بیداد هستند همان رفقای را که سابقا حکام و ظلام با رعایای سوخته فرموده ولایات میگرداند آحاد این انجمنها و بندگان و پیوستگان آنها میکنند فی الحقیقه یک استبداد را صد هزار استبداد ساخته اند و با صد هزار حاکم ظالم بر این مملکت و رعیت جو کار جو کش آن تاخته اند اگر رفقای آن طبقات از رعایا که همیشه زیر پا میرفتند و اسیر دست غارتگران و چا و بچیان بودند بالاضعاف افزوده است آبی دای که به نشد بر شد

بار خدا یا این چه سال پر طلال بود که بر پهلانهای ایران گذشت و صفحات تاریخ این مملکت را خون آلود ساخت و سپینه های انانی را بر اثر شعله و دود کرد و ظلمهای عمده ضحاک و کشتارهای چکنر شاک را بیا د آورد ای مجلس مقدس که بچندین آرزو و هوس نور آقایان ما و پیوایان ما تاسیس فرمودند و بتوجب حسن ظنی که باین صانع شریف خود داشتند بپایردان مذهب جعفری چه نویدهای بزرگ و امید واهی کلان دادند ولی لایحه های روزگار چند ان امان ندادند که موسسین عظام شب را سحر کنند با وسایل مادی و معنوی ریخته اند

که بر کردن کارهای بد که با غوا و شیطا
و شویلات نفس آنها را بجا میآورند
و بنا ظلمنا انفسنا و ان کفر تغفر لنا لکن
من الخاسرین

منها و سرگناهانیکه در این سنج
آخر الزمان نزدیک ظهور قائم
و خارج پیدا میکند و منع زانها
بصد چهل چنان عنوان

- (۱) مضمحل شدن خود و رفتن اهل حق از دنیا
- (۲) فرار کردن از جور و ستم بلاد و شهرها را
- (۳) عمل نکردن با احکام قرآن
- (۴) توجه نکردن و اهل نمودن قرآن را بهوای نفس
- (۵) متقلب گردیدن درین حق
- (۶) بلندگو غلبه نمودن اهل باطل بر اهل حق
- (۷) آشکار شدن شر
- (۸) ظاهر شدن فسق
- (۹) اکثرا کردن مردان بمرغان و زنان بزنان
- (۱۰) دفع شهوت
- (۱۱) سکوت کردن مؤمنان از بیان دین و تواتر
- (۱۲) اهل بواسطه قبول نکردن قولش
- (۱۳) دروغ گفتن اهل حق
- (۱۴) حقیر شمردن کوجب بزرگ را
- (۱۵) قطع شدن ارحام
- (۱۶) محزون کردن فاسق و فاجر بر مدح نمودن
- (۱۷) مردم آنها را بفسق و فجور
- (۱۸) لواط دادن پسران و مردان
- (۱۹) جفت شدن زنان با یکدیگر برای مصیبت
- (۲۰) بسیار شدن مدح و تشاد و بیهن خلق
- (۲۱) صرف کردن اموال در غیر طاعت الهی

- (۱۹) تعجب کردن مردم از کارهای خیر و سبیک
- در راه خدا از مؤمن بظهور میبرد
- (۲۰) ازین کردن همسایه بهسایه
- (۲۱) شاد و خندان شدن کفار از مشاهده
- فساد در روز مبین
- (۲۲) خوردن شراب و سایر مسکرات و اعتلا
- و آشکار
- (۲۳) ذلیل شدن امرگنده و جرم
- (۲۴) بافتن و پندیده شدن فتنه میان
- مردم در ایشان با پنجه های که خدا آنها را داد
- (۲۵) حقیر کردن ائمه اثنی عشر علیهم السلام
- و حقیر کردن دوستان آنها
- (۲۶) منقطع شدن راه خیر و باز شدن راه شر
- (۲۷) نرفتن اهل استطاعت حج بکعبه
- امری بکرات آنها را بترس زيارت
- (۲۸) عمل نکردن مردم با پنجه خود بدیگران
- از مضایح و از بجا آوردن اعمال خیر و نکردن
- کارهای بد
- (۲۹) غذای قریه خوردن از برای عمل لواط
- (۳۰) غذاها و دواها خوردن و استعمال نمودن
- زنان بجهت فریاد شدن از برای حقیر کردن با یکدیگر
- (۳۱) گدازان کردن پسران را بر مثل از دادن لواط
- (۳۲) گدازان نمودن زنان را بر مثل از دادن
- (۳۳) مجلس فراهم کردن زنان از برای امثال
- خود از زنان مانند مردان
- (۳۴) مایل شدن جماعت کوفه از بعضی طوائف
- بدادن لواط بواسطه داشتن ناخوشی ابنه
- (۳۵) زلف کندن مردان و مجتنبان کردن
- ان و شانه زدن بران مانند زنان شوهر دار
- (۳۶) مال دادن بعضی طوائف بعضی دیگر

- بواسطه داشتن ناخوشی ابنه نا ایشان را
- لواط نمایند
- (۳۷) شپوع بهمن نمایند لواط با پسران
- حسد کردن زنان بر آنها در ترک نمودن
- با ایشان
- (۳۸) عزیز تر شدن صاحب مال از صاحب
- فرد مردم
- (۳۹) آشکار شدن خوردن ربا
- (۴۰) فخر کردن زنان از اینر بلاد دنیا
- (۴۱) رشوه دادن زنان بشوهران از برای ازداد
- با ایشان در خصوص عمل مساحفه و درخت
- زنا دادن بمرغان
- (۴۲) اغماش و کل کردن زنان و اودهای
- زنان را بر فسق و عمل زنا
- (۴۳) محزون و حقیر و ذلیل شدن مؤمن
- (۴۴) ظاهر شدن بدعتها و عمل زنا در میان
- (۴۵) اعتقاد نمودن مردم بشهادت شاهد دروغ
- (۴۶) حلال دانستن چیزهای حرام
- (۴۷) حرام دانستن چیزهای حلال
- (۴۸) استیسا کردن احکام دین و نای و خواهر
- (۴۹) تعطیل نمودن قرآن در احکامات
- (۵۰) انظار کشیدن اهل فسق از مدینه
- برای بیان با اعمال قبیح و بجا آوردن آنها
- در روز روشن پیش از آمدن شب
- (۵۱) قدرت نداشتن مؤمن بر انکار کردن
- اعمال مردم مکرر در دل خود
- (۵۲) اتفاق کردن مال بسیار در مصیبت
- (۵۳) مقرب کردن حکام اهل کفر را در نزد
- و دور نمودن از خود اهل خیر را
- (۵۴) رشو کردن حکام در حکم کردن و حکم

(۵۵) دادن مال بسیار از برای گرفتن جکوش
(۵۶) افکار کردن برای باغدارم زدن اختیارات
(۵۷) کشته شدن بعضی اشخاص بواسطه جبار
و نه شدن بانها
(۵۸) حسد بودن بر دیگری که دنیا با و اقبال
و مال و جان خود را بذل کردند در سران
(۵۹) سرفش نمودن مردم را بر جماع باز و کفر
با ر که جز اهل لواط نمی پذیرد از پی
(۶۰) گذران کردن مردم را از اجرت زنادادن
زنش بدیگران
(۶۱) مقهور کردن زنان شوهرهای خود را
بکارهایی که شوهران بانها را ضعیف نیستند
(۶۲) نفقه دادن زنان شوهران مانند
نقاه دادن شوهران بزنان
(۶۳) اجبر دادن زن و کینه خود را از برای
گذران مردم مثل و تحسین خوردن و اشتهای
بواسطه دناست همت مد ذاک نفس
(۶۴) بسیار شدن قسم بخدا از راه دروغ
(۶۵) اشکار شدن قمار بازی
(۶۶) فروختن شراب و سایر مسکرات را غلاشیرو
(۶۷) دادن زنان نامت خود را با اهل کفر
(۶۸) اشکار شدن طه و لعین
(۶۹) دلیل کردن اهل تسلط مردم را شریف و
(۷۰) کمال قهر بجهنم مانند بنده حکام کبک
بسی نمودن و دشنام دادن با اهل بیت پیغمبر صلی
الله علیه و آله فخر میکند
(۷۱) قبول شدن بدادالشرع شهادت محبت
عصمت و طهارت علمای اسلام
(۷۲) رغبت داشتن مردم بچیز خوب و پروردار
(۷۳) گران شدن شنیدن صوت قرآن برخلاف

سهل کردن بشنیدن سخنان لغو و باطل برایشان
(۷۴) اکرام کردن همسایه همسایه اش محبت
ترس از زبان او
(۷۵) تعطیل کردن خود و پروردگار و عمل
نمودن در آنها بخواهشهای نفس
(۷۶) نقش کردن مسجد ها را باطلا و غیر طلا
(۷۷) بودن راستگو ترین مردم نزد ایشان
مذوع گو و افترا زنند
(۷۸) اشکار شدن شر و نوح چینه
(۷۹) اشکار شدن ظلم و ستم
(۸۰) مبالغه نمودن غیبت و بدگویی از مردم و تر
دادن بعضی از مردم بعضی را یان
(۸۱) حج کردن و بچند رفتن از برای غیر خدا
(۸۲) دلیل نمودن اهل تسلط کافر و مؤمن
هر دو را بد و زشت
(۸۳) غالب شدن املاک خراب بر املاک آباد
(۸۴) بودن زکندان و معتقلان که دادن در آن وقت
(۸۵) سهل و آسان دانستن خوردن و پروردگار حق
(۸۶) طلبیدن ریاست و جاهای غرض و پیوسته
(۸۷) مشغول کردن شخص خود را بر زبان و آزار
تر کسی که مردم از او و سپردن کارها با و از
برای اعماد آنها در کارهای خود با و
(۸۸) حق و حقیقت دانستن از مرئوسان
(۸۹) زکوة ندادن بفقرا از آن وقت که مال
اموال از گوی شده اند
(۹۰) بنشر کردن قیور مسلمانان از بر ساختن اینیه
(۹۱) بسیار شدن خرج و سرچ و بیهن مردم
(۹۲) عشق بازی نمودن مردم با امری از و با
زنان در دنیا و مشغول بودن همان اشخاص در
صحبها و اعتنائی کردن آنها بکارهای خلق

(۹۳) جماع کردن با بیها و حیوانات
(۹۴) در بدن حیوانات بعضی بعضی دیگر را
(۹۵) گذاردن نمازها را با لباس نجس و
عصبی
(۹۶) شاورن بجهنم سپیدن و قلوبی که به
نکردن از خون خدا
(۹۷) سخت شدن خواندن قرآن بر مردمان
(۹۸) رغبت بجهنم سپیدن بخوردن گوشت حیوان
غیر مذکی یعنی ذبیحه کفار
(۹۹) نماز بجا آوردن از برای خدا بلکه از جهت
ریاء و دیدن مردم
(۱۰۰) یاد گرفتن اهل علم احکام شرعی و نه
برای بدین بلکه برای طلب دنیا و جاه
(۱۰۱) اجتماع نمودن مردم بدو و کسی که دنیا یا
اقبال کرده و بر دیگران غالب گردیده
(۱۰۲) مدح و سرفش نمودن طالب جلال و
مدح و تعظیم کردن طالب حرام
(۱۰۳) انیان کردن با امور غیر مشروع و غیر معتاد
در شهر مکه و مدینه
(۱۰۴) اشکار شدن لایطه و لعین در شهر
مکه و مدینه
(۱۰۵) سرفش کردن با مکرانه بمشرف و نهی کنندار
(۱۰۶) تبعیت نمودن مردم از اهل شر
(۱۰۷) خالی شدن راه و حوازی سال و راه رفته
(۱۰۸) استهزا نمودن با مؤمنان بعد از از هاق
روح آنها بر آنها کریم نکردن
(۱۰۹) پیشتر بود در ره کمالی بدعت شرارت
(۱۱۰) متابعت نمودن مردم مکر اغنیاء را
(۱۱۱) چیز دادن و رحم کردن بر فطرتی که برای خدا
بلکه برای خدایان بانها

این کمال که ائمه ایران حق تشکیل مجلس شورای از دربار دولت تحصیل کرده اند. این مردم لایزالند چه
شوق و شغفی دارند و چه شور و شغبی می اندازند. بطایف اهل که تشریح و تفسیر نمکنیم خود را در متن و
حاشیه مجلس درود داد و با هزار امید و آری بساعت مجلس با خیالات خبیثه خودشان مشغول گزند
و میگویند مجلس اما بر پا کردیم و شب و روز بتفقی در میان رو سارقت و شوق عصای انت میگذرانند
و هر طرف که فریب آنها را خورد و خود را می بندند و نسبت بطرف دیگر جبارت و جرات بهرسانید
هرزگی را که حسرت و اینهاست احتمال میکنند مثل ذوات الزیارات که بغاشی و شطامی رواج
متاع خود میدهند آنحضرت که لاند سبهای روزگار بمن دشنام میدهند و بابیای معلوم اهل
بامن دشمنی میکنند پناه میرم بخدای تعالی از اینکه این سنخ مردم فرید من بشنند و از ضرب و محارم من
محبوب بشوند و بزبان و قلم اینها اهل ادیان را تنقیص کنیم و در اتم شرایع طعن و طعنه بزنم
باری این فسق فاسد و منفذ همه بدانند که هیچ حیل و هیچ مکر برای آنها سود نخواهد بخشید و محک
بماط شریعت مقدسه محمدیه نمیتواند برچید آری بسا آرزو که خاک شده

مجلس دارالشورای کسبرای اسلامی است و بسا عی مشکور و حج اسلام و ثواب عاتقه امام قائم شده و برای
خدمت و معاونت دربار دولت شیعه اثنی عشری و حفظ حقوق پیروان مذهب جعفری تأسیس گردیده است
نکته نیست که آثار پارلمنت پاریس و انگلیس آن مترتب کرد و قانون آزادی عقاید و قلام و تفسیر شرایع و احکام
از آن گرفت و برافستاد و آثارخانه و اشاعه فواحش و کشف مخدرات و آباء منکرات نایل گردید

بیانات تضرع با محمد البارد (در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم بطبع رسید) و محمد مصطفی